



سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۲



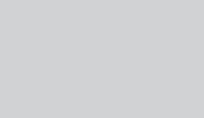
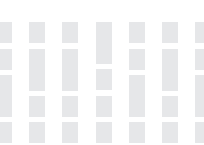
شماره ۳۹۸۳



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY



با تخمین ارتش صهیونیستی بایدن مخالفت خود را با ورود زمینی ارتش اسرائیل به غزه اعلام کرد، ماجرای درخواست آمریکا از ایران چیست؟

دل‌واپسی سقوط



سیدمهدی طالبی خبرنگار گروه جهان‌شهر

اگر از لغاظی‌های صهیونیست‌ها چشم‌پوشی شود، به جز جنایات این رژیم در حملات هوایی علیه مردم غزه، عملا هیچ اتفاقی روی زمین نیفتاده است. چنگ و دندان نشان دادن‌های صهیونیست‌ها، حاکی از یک حمله طرفانی و برق‌آسا حداقل در شمال غزه بود اما اثری از تبدیل حرف‌ها به عمل به چشم نمی‌آید. برخلاف تمامی جنگ‌های پیشین رژیم، تحرکات نظامی جای خود را به تلاش‌های دیپلماتیک داده است. محوریت رایزنی‌ها یا «آنتونی بلینکن» وزیر امور خارجه آمریکا است. او با تویی پر و حمایت قاطع از جنایات رژیم چند روز پیش به منطقه سفر کرد تا هماهنگی‌های لازم برای نجات رژیم از مهلکه‌ای که در آن گرفتار شده را ترتیب دهد. هنوز مشخص نیست این رایزنی‌ها به کجا رسیده اما خبرهای منتشر شده حکایت از موضع سرسخت کشورهای عربی علیه جنایات صهیونیست‌ها در غزه دارد. واشنگتن پست گزارش داده در سفر بلینکن به عربستان قرار بود دیدار با بن سلمان عصر همان روز برگزار شود اما ولی عهد سعودی وزیر خارجه آمریکا را معطل نگه داشته و دیدار این دو صبح روز بعد برگزار شده است. به نوشته این روزنامه بن سلمان در جلسه بر ضرورت «توقف اقدامات نظامی» در غزه «که به از دست رفتن جان انسان‌های بی‌گناه منجر شده» تاکید کرد. اگر این خبر صحت داشته باشد، یعنی بلینکن نتوانسته یک همسویی قابل‌تامل را با مواضع آمریکا در منطقه ایجاد کند و از همین روز نیز برای دومین بار وی روز گذشته به سرزمین‌های اشغالی سفر کرد. آن‌طور که رسانه‌ها گزارش داده‌اند، احتمالاً در روزهای آینده جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به سرزمین‌های اشغالی سفر کند. آن‌گونه که مشخص است، دست‌ورکار اصلی بایدن، کاهش سطح تنش‌ها است. او روز یکشنبه صراحتاً رژیم صهیونیستی را از تهاجم به غزه بازداشت. بایدن در مصاحبه‌ای گفت که اشغال جدید غزه توسط اسرائیل «یک اشتباه بزرگ» خواهد بود. «فرهیختگان» به اطلاعاتی دست پیدا کرده که نشان می‌دهد دولت آمریکا پیامی مکتوب را به امیرسعید ابیوانی، نماینده دائم ایران در سازمان ملل داده است. این پیام در چهار بند تدوین شده است که سه بند آن به شکلی ملموس تقاضا برای مدیریت سطح تنش و تلاش برای کاستن آن بوده است. در بند چهارم این نامه، طرف آمریکایی اعلام کرده در صورت ورود ایران به جنگ، آمریکا نیز به جنگ ورود خواهد کرد. ایران در روزهای گذشته به صراحت اعلام کرده در صورت ادامه جنایات صهیونیست‌ها در غزه، دامنه جنگ گسترده خواهد شد و مسئولیت آن برعهده رژیم صهیونیستی خواهد بود. براساس اظهارات حسین امیرعبد‌اللهیان، وزیر امور خارجه، احتمالاً نخستین چیزی که پس از ورود زمینی صهیونیست‌ها به غزه فعال خواهد شد، جبهه شمالی و توسط حزب‌الله لبنان فعال خواهد شد. البته این درگیری، احتمالاً مسیر جبهه‌ها را فعال خواهد کرد و حتی به یمن نیز تسری پیدا خواهد کرد. مجموع این نگرانی‌ها باعث شده آمریکا به صراحت به رژیم صهیونیستی درباره تداوم جنایاتش هشدار دهد. البته نگرانی اصلی آمریکایی‌ها ناتوانی صهیونیست‌ها در ورود زمینی به غزه است. آنها سال ۲۰۱۴ یک بار ورود زمینی به غزه را امتحان کردند و از آن ضربه سختی خوردند. این بار نیز اگر تهاجم زمینی به غزه به سرنوشت سال ۲۰۱۴ دچار شود، رژیم عملاً دچار فروپاشی خواهد شد. بخشی از این فروپاشی، پس از حمله ۷ اکتبر در ارتش صهیونیستی رخ داد و مانع از آن شد که صهیونیست‌ها بتوانند به جز جنایت، اقدام قابل‌توجهی روی زمین انجام دهند. بایدن البته کار سختی در پیش ندارد، فقط باید کمی واقعیت‌های روی زمین، و شکست تلخ روز شنبه را به آنها یادآور شود.

چطور عملیات کردند؟

حماس باید شمشیر برنده مقاومت اسلامی در فلسطین می‌شد. این خروجی یک جلسه سطح بالایی امنیتی مقاومت در یکی از کشورهای منطقه بود، در آن جلسه تصمیم گرفته می‌شود برای تمرکز بیشتر، مسئولیت‌های حماس به جهاد اسلامی تفویض شود تا این گروه به صورت ویژه‌تر خود را برای نبرد تهاجمی علیه رژیم صهیونیستی آماده کند. دست‌ورالعمل باعث شد تا در دو درگیری پیش از جنگ ۷ اکتبر (۱۵ مه‌ماه) جنبش حماس دخالت مستقیمی نداشته باشد و متمرکز بر عملیاتی باشد که در ساعت صفر به اجرا در خواهد آمد. در این مدت سرویس‌های جاسوسی رژیم، مصر و آمریکا به طور مرتب تمرین‌های نظامی حماس را زیرنظر داشتند. در آن سو، چنین تصور می‌شد که حماس تمایلی به درگیری نظامی ندارد و این تمرین‌ها، به نوعی نمایش مقاومت برای ایجاد بازآرندگی در برابر صهیونیست‌ها است. چند هفته قبل، خیری به کلی سبری، به مقاومت می‌رسد. خبر این است که صهیونیست‌ها خود را برای یک عملیات نظامی در غزه آماده می‌کنند. هدف عملیات، پاکسازی شمال غزه برای جلوگیری از پرتاب موشک و راکت به سمت شهرک‌های صهیونیستی در نزدیکی غزه است. این

موضوع در جلسه حماس با بالاترین سطح حفاظتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت محمد ضیف، فرمانده نامرئی گردان قسام، مأمور اجرای عملیات پیش‌دستانه علیه رژیم صهیونیستی

می‌شود. او و گردان‌های تحت فرمانش از مدت‌ها قبل، با استفاده از شبکه جاسوسانی که در درون رژیم صهیونیستی داشتند، نقشه عملیات ۷ اکتبر را طراحی کرده بودند. گردان‌های قسام همه آنچه را که باید انجام می‌دادند، از قبل آموزش دیده بودند. علی برکه، یکی از رهبران حماس، دوشنبه گذشته در مصاحبه تلویزیونی گفت حماس اسرائیلی‌ها را به این فکر انداخت که «مشغول اداره غزه است» اما در تمام مدت زیر میز، حماس برای این حمله بزرگ آماده می‌شد. عملیات به همان اندازه‌ای که می‌بایست در «آفند» توجیه‌پذیر می‌بود، در «بدافند» نیز باید خلل‌ناپذیر انجام می‌شد.

صبح روز هفتم اکتبر، عملیات براساس نقشه قبلی به اجرا درآمد. در روزهای گذشته رسانه‌های مختلف با استفاده از تصاویر و ویدئوهای منتشر شده و اظهارات فرماندهان مقاومت، تصویری از این عملیات را ترسیم کرده‌اند اما چند روز پیش روزنامه نیویورک‌تایمز مدعی شد برای بازسازی وقایع آن روز، با بیش از ۲۰ نفر اعم از بازماندگان، سربازان، مقامات نظامی و اطلاعاتی مصاحبه کرده و اسناد برنامه ریزی حماس و فیلم‌های این حملات را بررسی کرده است. این روزنامه آمریکایی عملیات مذکور را «بسیار سازماندهی‌شده» و با «برنامه ریزی دقیق» خوانده و نوشته عملیات «حاکمی از درک عمیق نقاط ضعف اسرائیل بود.» نیویورک‌تایمز تمرکز خود را بر عبور مقاومت از دیوار مرزی کرده و از همین رو به اولین گام که شلیک بیش از ۵ هزار راکت به سمت شهرک‌های صهیونیست بود، اشاره‌ای نکرده است. حماس با استفاده از کوادکوپترهای مجهز به بمب‌های (بمب کوچک)، برج‌های نظارتی و ارتباطی کلیدی را در امتداد مرز با غزه منهدم و نقاط کور گسترده‌ای را بر ارتش اسرائیل تحمیل کرد. احتمالاً پس از این مرحله، ورود آغاز می‌شود. آن‌طور که نیویورک‌تایمز نوشته، ۱۰ مرد مسلحی که سوار بر پنج موتورسیکلت از دیوار مرزی عبور کردند، دقیقاً می‌دانستند چگونه مرکز اطلاعاتی اسرائیل را پیداکنند و چگونه به داخل آن بروند. آنها پس از عبور از دیوار مرزی، به سمت شرق حرکت کردند و به سمت خودروهای غیرنظامی در حال عبور تیراندازی کردند. ۱۰ مایل بعد، آنها از جاده منحرف شده و در یک پایگاه نظامی پیاده شدند. آنها با انفجار کوچکی دیوار را باز کردند، وارد پایگاه شدند و برای گرفتن سلفی دسته جمعی لحظه‌ای مکث کردند. نیویورک‌تایمز مدعی شده که مهاجمان برای لحظه‌ای مطمئن نبودند که کجا بروند. سپس یکی از آنها چیزی از جیبش بیرون آورد؛ «نقشه رنگی مجتمع» نیویورک‌تایمز بخشی از گزارشش را بر پایه دوربینی روایت کرده که روی سر یکی از نیروهای حماس بسته شده بود. این روزنامه این فیلم را بررسی کرد و سپس با مقامات اسرائیلی نیز آن را بررسی کرده است.

مقامات صهیونیست می‌گویند که حماس با سواد منجمره و پول‌دورز، شکاف‌های بازار را در دیوارهای مرزی ایجاد کرد تا در موح اول ۲۰۰ مهاجم و در موج دوم ۱۸۰۰ مهاجم دیگر از آن عبور کنند. مهاجمان با موتورسیکلت و وانت به سمت اسرائیل هجوم می‌برند و حداقل هشت پایگاه نظامی را تسخیر می‌کنند و در ۱۵ روستا و شهرک عملیات می‌کنند. نیویورک‌تامیز می‌نویسد اسناد برنامه‌ریزی حماس، ویدئوهای حمله و مصاحبه با مقامات امنیتی نشان می‌دهد که «این گروه به طرز شگفت‌انگیزی درک پیچیده‌ای از نحوه عملیات ارتش اسرائیل، محل استقرار واحدهای خاص و حتی زمان لازم برای رسیدن نیروهای کمکی داشت.» مقام‌های اسرائیلی از جزئیات این عملیات که توانست قدرتمندترین ارتش خاورمیانه را در شبیه گذشته غافلگیر کند و علاوه بر تصرف بیش از ۳۰ مایل مربع، بیش از ۱۵۰ اسیر بگیرد و بیش از ۱۳۰۰ نفر را به هلاکت برساند تا مرگبارترین روز برای اسرائیل در تاریخ ۷۵ ساله آن رقم بخورد، می‌گویند. حماس و متحدانش با برنامه‌ریزی دقیق و آگاهی فوق‌العاده از اسرار و ضعف‌های اسرائیل، اندکی پس از طلوع فجر، طول جبهه اسرائیل با غزه را تحت تأثیر قرار دادند و ملتی را که مدت‌ها برتری ارتش خود را به عنوان یک اصل اعتقادی در نظر گرفته بود، شوکه کردند. ارتش اسرائیل می‌گوید که پس از پایان جنگ، بررسی خواهد کرد که چگونه حماس توانسته است به راحتی نفوذ کند.

مجموع این داده‌ها ثابت می‌کند مقاومت جدا از شهرک‌های صهیونیست، اطلاعات دقیق و جزئی‌ای از پایگاه‌های نظامی رژیم داشته است. امکان ندارد این دسترسی به این اطلاعات بدون همکاری جاسوسانی از درون ارتش رژیم صهیونیستی به دست آمده باشد. پیش از این گزارش‌هایی در رسانه‌های غربی منتشر می‌شد که بخشی از تسلیحات موجود در کرانه باختری، از نظامیان صهیونیستی خریداری شده است. نیویورک‌تایمز با کمی ملاحظه درباره این موضوع نوشته است: «اما چه نیروهای مسلح نسبت به اسرار خود بی احتیاط بوده باشند و چه توسط جاسوسان نفوذ کرده باشند، این افشاگری‌ها قبلاً مقامات و تحلیلگرانی را که این سوال را مطرح کرده‌اند که چگونه ارتش اسرائیل –که به جمع‌آوری اطلاعات خود مشهور است– می‌تواند ناخواسته این همه اطلاعات دموورد عملیات خود افشا کند، عصبانی کرده است.»

چرا قضیه عمیق‌تر از داستان نیویورک‌تایمز است؟

نیویورک‌تایمز گوشه‌ای از واقعیت جنگ را برجسته کرده و تمرکز را بر جاسوسی و کسب اطلاعات از مواضع صهیونیست‌ها قرار داده است و در نهایت کلام خود قصد دارد مشکلی را عامل اصلی معرفی کند که به نظر می‌رسد برای بار دیگر قابل‌تکرار نیست. با این حال قضیه عمیق‌تر و صحنه شکست ۷ اکتبر وسیع‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود. صهیونیست‌ها کار زیادی برای

ایجاد مجدد صفوف خود برای جلوگیری از اقدامی مشابه دارند؛ موضوعی که شهرک‌نشینان صهیونیست در صورت اطلاع کامل از آن، اعتمادشان به ارتش را باز نخواهند یافت. در ادامه به بخشی از دلایل فروپاشی خطوط دفاعی رژیم در اطراف غزه اشاره شده است.

۱ در جنگ با صهیونیست‌ها، تقریباً تاکنون هیچ نیروی مهاجمی موفق نشده وارد سرزمین‌های تحت کنترل صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی شود. در جریان جنگ ۱۹۴۸ نیز درگیری‌ها در جنوب، در شرایطی رخ می‌داد که مرز مناطق تحت کنترل تثبیت نشده بود. نفوذ سوریه به جولان اشغالی و مصر به صحرای سیننا نیز در سرزمین فلسطین رخ ندادند. در وضعیتی که تاریخ رژیم خالی از سابقه تهاجم به مناطق تحت کنترل صهیونیست‌ها در فلسطین است، تل‌آویو علی‌رغم دینظر گرفتن احتمال وقوع چنین حمله‌ای از سوی هر یک از دشمنان، چندان پیش‌زمینه و تصویری نسبت به چنین حمله‌ای نداشت؛ به‌ویژه از سمت غزه محاصره شده.

۱«احتمال پایین اقدام برای نفوذ در سرزمین‌های تحت کنترل رژیم به دلیل فقدان سابقه و ارتش قدرتمند صهیونیست‌ها»، فقدان تصور چگونگی نفوذ» و «ناچیز بودن احتمال رخداد از سمت غزه» عواملی بودند که در کنار یکدیگر به عمق غفلت صهیونیست‌ها نسبت به آنچه در ۷ اکتبر رخ داد، افزودند.

۲ حماس گروهی شبه‌نظامی است و نوع اقدامات نظامی آن با یک ارتش تفاوت داد. براساس تعاریف، گروه شبه‌نظامی به گروهی گفته می‌شود که نظامیانش همان «شهروندان عادی» باشند که اسلحه دارند. واژه «شبه‌نظامی» یک تعریف کلی از «نیروهای به‌پاخاسته از مردم بومی همان منطقه» است اما ارتش‌ها دارای ساختار بندی مرتب‌تری بوده، تجهیزات سنگین، شاخه‌های مختلف و همچنین پادگان دارند. یک گروه شبه‌نظامی یا فاقد بسیاری از داریایی‌های یک ارتش است

یابین ویژگی‌ها را به صورت کم‌رنگ‌تر در اختیار دارد. به‌عنوان مثال تحرکات ارتش روسیه در مرزهای اوکراین که باعث شد جنگ اوکراین از طریق آن پیش‌بینی شود، ناشی از نیاز به استقرار صدها هزار نظامی و هزاران تانک و صدها هواگرد در نزدیکی خطوط نبرد آتی بود. حماس اما به گفته صالح العاروری معاون این گروه ۱۳۰۰ و بنا بر گفته نیویورک‌تایمز ۱۸۰۰ نیرو با تسلیحات سبک را در نوار غزه که طولی ۴۰ کیلومتری و عرضی ۱۰ کیلومتری دارد، به سرعت فراخوان کرده و در زمان کمی به خطوط نبرد اعزام کرد. بنابراین دستگاه‌های اطلاعاتی و منابع جمع‌آوری اطلاعات، مسیرهای کمتری برای شناسایی اقدامات حماس در اختیار داشتند. ایجاد حمله، برخلاف تمهیدات آن، بسیار کوچک بودند. عدد اختلافی میان این دو منبع ۶۰۰ نفر است که به خوبی نشان‌دهنده ابعاد اندک اجرای حمله به رژیم است.

۳ مرزهای دریایی و سپس افزایش تدریجی تنش‌ها در مرز مانند نصب چادر در مناطق اشغالی و برگزاری مانور، توجه ارتش رژیم را به سمت شمال جلب کرد. همزمان کادرهای رهبری حماس از ترکیه به لبنان منتقل شده و خود را مسئول تشدید تنش با رژیم از طریق مرزهای لبنان و همچنین کرانه باختری نشان دادند. تل‌آویو فکر می‌کرد محیط عملیاتی حماس از غزه تغییر کرده و به لبنان و کرانه باختری منتقل شده است؛ شاید صهیونیست‌ها این مساله را چندان بد نیز تلقی نمی‌کردند زیرا این پدیده می‌توانست نشانه‌ای از علاقه حماس به حفظ لبنان در غه باشد.

۴ نظامیان و امنیتی‌ها تابعی از وضعیت سیاسی یک کشور هستند. این وضعیت در رژیم بسیار عمیق‌تر است زیرا ارتشش نسبت به دیگر ارتش‌ها اتکای بسیار بالایی به نیروهای ذخیره دارد. این اتکا به میزانی است که حتی بخش اعظم نیروی هوایی که به‌طور معمول نباید از نیروهای ذخیره استفاده کند، به این نیروها متکی است؛ حتی در سطح خلبانان جنگنده‌هایش. بسیاری از این نیروهای ذخیره به امور مدنی مانند تجارت، فعالیت‌های اقتصادی و مدنی در جامعه مشغولند و بخشی از اوقات خود را به ارتش اختصاص می‌دهند. به همین دلیل، وقوع هر بحرانی در جامعه رژیم اثرات عمیقی بر ارتش آن دارد. در همین راستا بود که بنی گانتز، رئیس اسبق ستاد مشترک، وزیر اسبق دفاع و اصلی‌ترین رهبر اپوزیسیون روز ۱۲ مرداد در جریان سخنان خود در پارلمان این رژیم درخصوص تصویب لایحه جنجالی اصلاحات قضایی کابینه بنیامین نتانیا هو گفته بود: «ارتش مردم، با یکدیگر در ارتباط هستند و اگر مردم دچار شکاف شوند، این شکاف و اختلاف، به میان صفوف ارتش نیز سرایت می‌کند.»

۵ سقوط‌ها و فروپاشی‌ها به شکل «دومینو»وار رخ می‌دهد و تشکیل خط و سدی برای جلوگیری از نفوذ دشمن بسیار دشوار است. این مساله چند نمونه تاریخی دارد. آلمان نازی در جنگ جهانی دوم موفق شد با ابتکار جبهه فرانسه را از هم فروپاشانده و در مدت کمی بیش از ۱۰ پایتخت اروپایی را اشغال کند؛ درحالی‌که طی جنگ جهانی اول ناتوان از نفوذ موفق به خاک دشمن بود. نمونه بعدی از دست رفتن سریع شهرهای سوریه به دنبال تشدید بحران داخلی و همچنین شورش واگنر بود. نتانیاهو با هدایت آمریکا و کمک ترکیه و قطر که به جریانات اخوانی نزدیک بودند، پس از جنگ ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ با غزه، گام به گام با ناوهای زیرساخت‌ها، مردم و حماس را که متولی امور مردم شده بود تحت فشار قرار داده تا آنها را آماده سازش کند. سپس

پول‌های قطر با کمک ترکیه راهی غزه شدند تا زیرساخت ایجاد کرده، به ارائه خدمات درمانی پرداخته و حقوق کارمندان اداری را بپردازد. رژیم فکر می‌کرد حماس برای تدبیر امور غزه خواهان تنش نیست و مقاماتش نیز در قطر و آنکارا به پول‌های پرداختنی دلخوش کرده و زندگی راحتی برای خود ساخته‌اند. حماس در اوج چنین تفکری، ناگهان حمله کرد. عدم ورود حماس به درگیری‌های جهاد اسلامی دیدگاه جدایی میان این دو را تقویت کرده بود.

۷ ارتش رژیم فاسد است و حماس به این وسیله بخشی از سلاح‌های خود را از ارتش رژیم دریافت کرده و دیگر سلاح‌ها را از طریق این فساد، به داخل نوار غزه وارد کرده است. نقشه‌های مزبور نیز توسط افراد حاضر در ارتش به حماس داده شده است. روز ۱۷ مهر (۹ اکتبر) تسنیم به نقل از یک منبع آگاه فلسطینی اعلام کرد که «بخشی از اطلاعات، به دست آمده از مناطق نفوذ، از طریق برخی نیروهای ارتش اسرائیل، به دست آمده و تعدادی از آنها از مدت‌ها قبل با گروه‌های مقاومت همکاری می‌کردند و در عملیات نیز از این اطلاعات برای نفوذ نیروها به شهرک‌ها و به‌خصوص پایگاه‌های نظامی اطراف غزه استفاده شده است. مسلح بودن شهرک‌نشینان باعث شده این تلقی در مقامات رژیم ایجاد شود که آنان در صورت بروز مخاطره، از قدرت آتش و آموزش لازم برای دفاع از خود برخوردارند؛ حداقل برای جلوگیری از کشتار و تا زمان رسیدن یگان‌های نظامی. این تصور چندان غیرمعمول نیست اما برای اثبات نیاز به رخدادی داشت تا تأثیر آن ازبایی شود. طوفان الاقصی و به‌ویژه روز نخست آن نشان داد مسلح بودن شهرک‌نشینان عامل بازآزنده موثری در جلوگیری از کشتار صهیونیست‌ها نیست.

۹ محمد ضیف فرمانده کل گردان‌های عزالدین القسام که عملاً عالی‌ترین مقام نظامی مقاومت فلسطین به حساب می‌آید، ساعاتی پس از آغاز جنگ، در پیامی صوتی نخستین مرحله این جنگ را پرتاب بیش از ۵۰۰۰ راکت دانست؛ مرحله‌ای که پس از آن تهاجم زمینی صورت گرفته است. این راکت‌باران به‌عنوان «آتش تپیه» برای تخریب آرایش و استحکامات دشمن پیش از تهاجم زمینی صورت گرفت اما برداشت صهیونیست‌ها از این شروع، غلط بود. این حملات در میان صهیونیست‌ها هراس ایجاد کرد اما موجب هوشیاری آنان نشد زیرا طبق الگوهای قبلی کسی فکر نمی‌کرد قرار است این حملات، تهاجم زمینی به دنبال خود داشته باشد. اعتماد بیش از اندازه صهیونیست‌ها به دیوار فیزیکی

۱۰ احداث شده در اطراف غزه و دستگاه‌های شناسایی، خطای بسیار بزرگی بود. حماس آنها را به هر وسیله‌ای از کار انداخت

و برچک‌های موجود و تم نفرد موجود را نیز به وسیله بمب‌های پرتاب‌شده از کوادکوپرها، از دور خارج ساخت. صهیونیست‌ها بیش از اندازه به دیوار متکی بودند درحالی‌که حماس تنها نقطه‌ای از این دیوار را تخریب و پاکسازی کرده و سپس وارد غلاف غزه شدند. نیویورک‌تایمز در نخستین روز حمله گفت وگویی با «مارتین ایندیک» از اعضای ممتاز شورای روابط خارجی ترتیب داده بود که در این مصاحبه، به اتکای بیش از اندازه صهیونیست‌ها به دیوار حفاظتی اشاره شده بود. ایندیک که دو بار سفیر آمریکا در فلسطین اشغالی و نماینده ویژه اوپاما در امور صلح این منطقه بوده است، می‌گوید: «اسرائیلی‌هایک دیوار بسیار گران‌قیمت بین غزه و جوامع درسمت اسرائیلی مرز ساختند. آنها مطمئن بودند که حماس از اتکام یک حمله بزرگ منصرف

شده است.»

۱۱ صهیونیست‌ها فکر می‌کردند تدارکات حماس صرفاً برای بازآرندگی است، همانند آنچه از سال ۲۰۰۶ تاکنون در مرزهای لبنان رخ داده است. به زعم صهیونیست‌ها مقاومت لبنان پس از جنگ ۲۰۰۶ به تقویت توان نظامی خود پرداخت اما برای جلوگیری از تخریب گسترده‌ای که در جنگ ۳۳ روزه رخ داد، خواهان مباردت به جنگ نبود و صرفاً قصد داشت مانع از تهاجم جدید تل‌آویو شود.

۱۲ دستنمایی حماس به خطوط پشتی صهیونیست‌ها که باعث شد نظامیان صهیونیست به جای رویه‌رو، صدای گلوله و درگیری را از عقبه بشنوند، باعث شد آن‌ها خط خود را در نگرانی از محاصره و تهاجم از سو رها کرده و به دنبال نجات جان خود باشند.

تلفات ۱۷ اکتبر دو برابر شهدای ۳۵ سال ایران

هلاکت ۱۸۰۰ نفر که ۳۰۰ نفر آن نظامی بوده‌اند، برای رژیم صهیونیستی بسیار دردناک است. این اعداد به خودی خود بزرگ بوده و حکایت از شکست شدید صهیونیست‌ها دارد، اما عمق مساله به اندازه کافی شناخته شده نیست. درک بزرگی این عدد رami توان با مقایسه آن با ایران درک کرد. رژیم صهیونیستی ۹ میلیون نفر جمعیت دارد که تقریباً ۱۱ برابر کمتر از جمعیت ۸۷ میلیون نفری ایران است. به عبارتی دیگر اگر این اعداد را به نسبت جمعیت ایران بگوییم، تلفات باید در ۱۰ ضرب شوند. در این صورت تعداد تلفات تا ۱۸ هزار نفر و تعداد تلفات نظامیان به ۳ هزار نفر آن‌هم تنها در یک روز می‌رسید.

این درحالی‌است که پس‌از پایان جنگ تحمیلی تاکنون طی ۳۵ سال، مجموع شهدای ایران از مدافعان حرم، پلیس، حوادث و حتی واقعه منا تقریباً ۱۰ هزار نفر است. صهیونیست‌ها به‌نسبت جمعیتی در یک‌روز تقریباً دو برابر بیش از سه دهه ایران تلفات داده‌اند.

